



یادداشت

بودجه دخالت در سوریه را صرف رفع مشکلات معیشتی مردم کنید

صادق کار



افزایش قیمت کالاهای اساسی در حالی همچنان با تداوم سیاست شوک درمانی حکومت روز به روز بیشتر روی دوش زحمتکشان سنگینی می کند، که دولت به رغم افزایش مداوم اعتراضات مزدبگیران به بهانه ناترازی از اجابت مطالبات حداقلی و قانونی کارگران و حقوق بگیران شاغل و بازنشسته طفره می رود و با دادن وعده‌های دروغ سعی دارد آنها را سرگردان نگاه دارد. با این وجود فشارهای معیشتی به حدی رسیده که این وعده‌ها دیگر نمی تواند موجب جلوگیری از گسترش و رادیکالتر شدن حرکت های اعتراضی شود. در واقع راه دیگری نیز غیر از افزایش اعتراضات متشکل و سازمان یافته در مقابل زحمتکشان تحت ستم وجود ندارد.

از چند ماه پیش تا کنون بارها به بازنشستگان وعده همسان سازی و متناسب سازی حقوق هایشان را می دهند و حتی برای آن روز و ساعت هم اعلام می کنند، اما زمان عمل که می رسد با موکول کردن آن به روزی دیگر از انجام آن طفره می روند.

بهانه اصلی برای بی پاسخ گذاشتن مطالبات نداشتن بودجه و ناترازی است. بقول فرشید مومنی از استادان اقتصادی مخالف سیاست های اقتصادی دولت پول برای اختلاس و خیلی کارها دارند، اما به مردم که می رسند پول ندارند.

پزشکیان تلاش می کند با گفتن "همه چیز ناتراز است" سیاست شوک درمانی خشن و فقر افزای حکومت را با زدن از سفره‌های محقر مردم حقوق بگیر و فقیر عملی عملی کند. گویی تاوان غارت و اختلاسها ی نجومی و حیف و میل کردن ثروتها و منابع و درآمدهای کشور توسط خودی های حکومت را مردم عادی و قربانیان اصلی سیاستهای رژیم باید جبران کنند و نه آن اقلیت کوچکی که از قبالت غارت کشور به ثروت های نجومی رسیده و در قصرهای شاهانه زندگی افسانه‌ای خود را می گذرانند.

دو روز پیش آماری منتشر شد که نشان می دهد تنها طی دو سال اخیر ۱۰ درصد به جمعیت زیر خط فقر افزوده شده، با این وصف انتشار اینگونه آمارها، یا خبر مردن بیماران به علت گران شدن دارو و هزینه درمان، یا بازماندن ۷۵۰ هزار کودک از تحصیل، در اثر فقر، ابتلای میلیون ها کودک به سو تغذیه، محرومیت روز افزون میلیونها ایرانی از گوشت و مواد لبنی و... هیچکدام مانع از ادامه سیاستهای اقتصادی سرمایه داران حاکم نمی شود.



تا صحبت از انطباق دستمزد و حقوق های بازنشستگی می شود، به ناگهان فریاد تورم زاست، کشور ظرفیت افزایش دستمزدها، را ندارد و باعث افزایش رکود و گسترش بیکاری می شود، بودجه نداریم و... از هر سو بلند می شود و حتی وعده افزایش دستمزد کارگران معادن ذغال سنگ پس از آن همه تبلیغ و جنجال به یک باره به آینده نا معلوم حواله داده می شود. درخواست افزایش دستمزد کارگران نفت، افزایش حقوق معلمان و پرداخت بدهی بازنشستگان فرهنگی، افزایش حقوق پرستاران، همگی زیر جنجال ناترازی ها رد می شوند. سوال این است که آیا واقعا بودجه برای پرداخت دیون دولت به بازنشستگان وجود ندارد، یا این بیشتر وسیله ای است برای از بین بردن بدیهی ترین حقوق بازنشستگان و کارگران؟ بقول دکتر فرشاد مومنی

گزارش های دیوان محاسبات می گوید ۳۰ میلیارد دلار فساد از نحوه تخصیص ارز ۴۲۰۰ تومانی با اسامی " وجود دارد و ۳۵ میلیارد دلار تعهدات ارزی که همین خصولتی ها قانونا باید به کشور برمی گردانند و این کار " را نکرده اند. کشوری با این اوضاع چگونه می تواند بگوید ما کمبود پول داریم؟ یقینا این ها که آقای مومنی نقل کرده نوک کوه یخ از فساد و اختلاسهای انجام گرفته هستند که غیر قانونی انجام گرفته اند. چگونه است که دولت بجای اینکه برود یقه این جماعت دزد و غارتگر را بگیرد و اموال غارت شده مردم را از آنها پس بگیرد و خرج ناترازی هایش بکند، چشم طمع به چندر غاز حق همسان سازی و مزایای پایان کار بازنشستگان فرهنگی دوخته است؟ مگر قول نداده بود که حقیقت را به مردم بگوید؟

راه ها و منابع دیگری هم برای جبران ناترازی هایی که محصول کارکرد نظام حاکم است وجود دارد. اختصاص بودجه دخالت های حکومت در جنگ داخلی سوریه پس از خروج ناخواسته نیروهای نظامی و تدارکاتی از سوریه منبع دیگری برای جبران کسر بودجه است. حذف بودجه نهادهای انگلی، حوزه های علمیه، سازمان های تبلیغاتی، کاهش بودجه نیروهای سرکوبگر، جمع کردن بساط پرهزینه حجاب اجباری، کاهش هزینه زندانها از طریق آزاد کردن زندانیان سیاسی و مدنی، تعطیل کردن سپاه قدس، بازگرداندن بنیادهای ثروتمند تصاحب شده به مردم، اینها همه منابعی هستند که اگر آزاد شوند و از دستبرد دزدان حکومتی محفوظ بمانند، نه تنها می تواند همه نا تراضی ها بلکه فقر و خرابی های تحمیل شده به مردم و کشو را از میان بردارد.

**از جنبش نه به اعدام برای متوقف کردن و ابطال احکام اعدام حمایت و به آن
پیوندید!**

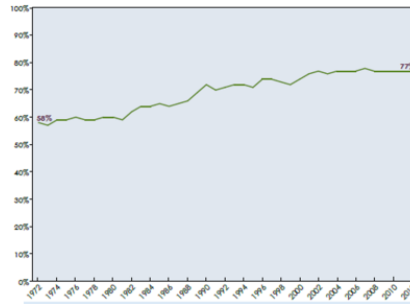
ما از جنبش زن، زندگی، آزادی و مطالبات دمکراتیک و مترقی آن حمایت می کنیم!

**برقرار و مستحکم باد پیوند میان جنبش زن، زندگی آزادی با جنبش مطالباتی کارگران
و مزد و حقوق بگیران!**



برابری جنسیتی در محیط کار بخش اول

فیضا علی



اهداف مورد نظر از مطالعه

با مطالعه این فصل 1، شما با مفهوم برابری جنسیتی در محیط کار آشنا خواهید شد. این فصل همچنین خوانندگان را با برخی مفاهیم کلیدی مرتبط با برابری جنسیتی، از جمله شکاف حقوقی، کلیشه‌های جنسیتی، و سقف شیشه‌ای آشنا می‌کند. خوانندگان خواهند توانست نظریه‌های مختلف توضیح‌دهنده تفکیک جنسیتی در محیط کار را تحلیل کنند. این فصل به شما کمک می‌کند رویکردهای گوناگون برای دستیابی به برابری جنسیتی را در محیط کار شناسایی کنید. این فصل به جای تمرکز بر زمینه‌های مرسوم، امکان درک زمینه‌های غیرمرسوم برابری جنسیتی در محیط کار را فراهم می‌آورد. سرانجام، پس از مطالعه این فصل، شما قادر خواهید بود رویکردهای ناظر بر برابری جنسیتی را از طریق مطالعه و تحلیل نمونه‌های واقعی به کار گیرید.

مقدمه

این فصل نظریه‌های تفکیک جنسیتی در محیط کار و ایدئولوژی‌های مرتبط با برابری جنسیتی را بررسی و نقد می‌کند، و همچنین به بررسی نحوه برخورد این نظریه‌ها با کارگران شاغل و بیکار، و نیز کارگران مرد و زن در جامعه می‌پردازد. نقش هنجارهای شغلی غالب در جامعه و تفکیک جنسیتی نیروی کار ناشی از این هنجارها به‌طور خاص مورد بحث قرار گرفته می‌گیرد. این فصل با بررسی نظریه‌های مارکسیستی و فمینیستی رادیکال آغاز می‌شود و سپس تحلیل انتقادی نظریه سیستم دوگانه ارائه می‌گردد. پس از آن، نقدهای پست‌ساختارگرایانه و سرمایه انسانی به نظریه‌های پیشین بررسی می‌شوند. نظریه سرمایه انسانی تلاش می‌کند تفکیک جنسیتی بازار کار را صرفاً بر اساس عوامل اقتصادی توضیح دهد. توضیح فرآیند تفکیک بازار کار و شکاف جنسیتی در بازار کار سنتاً و به شدت بر سیستم سرمایه‌داری و نیازهای آن مبتنی بوده است. برخی از مفاهیمی که اقتصاددانان استفاده کرده‌اند، توسط جامعه‌شناسان اقتباس شده و بر حوزه جامعه‌شناسی تطبیق داده شده‌اند (بردلی، ۱۹۸۹). بنابراین گنجانیدن نظریه سرمایه انسانی در مجموعه بررسی‌های ناظر بر شکاف جنسیتی امر ناموجهی نیست. سرآخر این که در این فصل همچنین ایدئولوژی‌های تغییر مرتبط با مسائل برابری جنسیتی در زمینه‌های شغلی بررسی می‌شوند.

مفاهیم کلیدی درباره برابری جنسیتی

برابری جنسیتی در محیط کار به معنای حقوق، مسئولیت‌ها و فرصت‌های برابر برای زنان و مردان در اشتغال است (سازمان ملل، ۲۰۱۳). برابری به این معنا نیست که زنان و مردان یکسان شوند، بلکه به معنای این است که حقوق، مسئولیت‌ها و فرصت‌های آنها وابسته به جنسیت آنها نباشد. برابری



جنسیتی به این معناست که منافع، نیازها و اولویت‌های هر دو جنس، با در نظر گرفتن تنوع گروه‌های مختلف زنان و مردان، مورد توجه قرار گیرند. شایسته است یادآوری کنیم که برابری بین زنان و مردان نه تنها به عنوان یک موضوع حقوق بشری، بلکه همچنین به عنوان پیش شرط و شاخصی برای توسعه پایدار مبتنی بر انسان‌ها دارای اهمیت است.

کلیشه‌های جنسیتی در مورد نقش زنان در بازار کار که در سالیان درازی اعمال می شده اند، و انواع اقداماتی که پیشرفت زنان را در محیط کار تحت تاثیر می گرفته اند، منجر به مشکلاتی مانند سقف شیشه‌ای و شکاف دستمزد جنسیتی شده اند.

سقف شیشه‌ای به مانعی نامرئی اشاره دارد که مانع پیشرفت زنان و دیگر گروه‌های اقلیت محروم به سطوح بالاتر سلسله مراتب سازمانی می‌شود (ویبر، ۲۰۰۷). در این شرایط، زنان در سطوح پایین‌تر سازمان باقی می‌مانند و فرصت‌ها و امکانات بسیار کمی برای توسعه و پیشرفت دارند یا اصلاً امکانی ندارند. هایلمن (۲۰۰۱) استدلال می‌کند که سقف شیشه‌ای نتیجه اجتناب‌ناپذیر کلیشه‌های جنسیتی است که بر باورهای ثابتی درباره نحوه رفتار هر جنس متکی است. کلیشه‌های جنسیتی همچنین بر حوزه‌هایی تأکید دارند که در آنها یک جنس نسبت به جنس دیگر نقصی دارد. با وجود توانایی زنان در برآورده کردن نیازهای شغلی و پیشرفت در سازمان، آنها اغلب در مقایسه با مردان نادیده یا دست کم گرفته می‌شوند.

شکاف دستمزد مبتنی بر جنسیت به تفاوت درآمد میان زنان و مردان در محیط کار اشاره دارد (کیرتن و گرین، ۲۰۰۵). به گفته اداره آمار ملی بریتانیا (باویل، ۲۰۱۳)، میانگین شکاف حقوقی میان کارکنان تمام وقت و نیمه وقت میان زنان و مردان، از سال ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۲ از ۱۹.۶ درصد به ۱۸.۶ درصد کاهش یافته است که نشان‌دهنده پیشرفت‌های مثبت است. با این حال، با وجود کاهش تدریجی شکاف دستمزد جنسیتی، وجود آن همچنان یک مسئله است، به ویژه در مواردی که زنان و مردان برای انجام وظایفی با ارزش مشابه و نیازمند مهارت‌های قابل قیاس، دستمزدهای متفاوتی می‌گیرند.

تاب آوری در برابر نابرابری جنسیتی به ویژه با افزایش حضور زنان در بازار کار، از جمله مادران شاغل، قابل شکاف نرخ اشتغال میان زنان دارای فرزند و (، ۲۰۱۱) ONS مشاهده است. طبق آمار اداره ملی آمار بریتانیا زنان بدون فرزند از سال ۱۹۹۶ تا ۲۰۱۰ به طور قابل توجهی کاهش یافته است. در سال ۱۹۹۶ این تفاوت ۵.۸ درصد بود و در سال ۲۰۱۰ به ۰.۸ درصد کاهش یافت که نشان می‌دهد زنان، حتی به عنوان مادر، تمایل بیشتری به کار دارند.

آمارها نشان می‌دهند که مادران بیشتر به کار نیمه وقت می‌پردازند، زیرا کار انعطاف پذیر برای زنانی که تعهدات خانوادگی دارند، مناسب تر است. با این حال، از سال ۱۹۹۶ تا ۲۰۱۰، ۵.۹ درصد افزایش در تعداد مادرانی که به صورت تمام وقت کار می‌کنند نیز مشاهده شد. بنابراین، آمار نشان می‌دهد که زنان برای دستیابی به مسئولیت‌های بیشتر در محیط کار تلاش می‌کنند و تعهد بیشتری به حرفه خود نشان می‌دهند. در نتیجه، باید توانایی آنان برای احراز مناصب مدیریتی ارشد تصدیق شود.

این نوشته فصلی است از کتاب مدیریت تنوع و شمولیت

کمیته‌های اعتصاب را در کارخانه‌ها و ادارات تشکیل دهیم!

اتحاد، اعتراض، نبرد تا رهایی!

از مبارزه زنان علیه تبعیضات جنسی و برای برابری حمایت کنیم!



اعتراض صدها زن به اعمال تبعیض مزدی و شغلی

صادق



بیش از پانصد کارمند زن متاهل در این هفته با راه اندازی یک هشتک و ارسال نامه ی سرگشاده به قالیباف رئیس مجلس و زهرا بهروز آذر (معاون امور زنان و خانواده رئیس جمهور) نسبت به اعمال تبعیض جنسیتی علیه زنان متاهل شاغل اعتراض کرده و پس از ذکر مواردی از این تبعیضات خواستار رفع آنها شده‌اند. اعتراض علیه اعمال تبعیض آزار دهنده علیه زنان البته همیشه وجود داشته ولی گمان می کنم این اولین بار باشد که صدها زن کارمند مستقیماً به این صورت علیه وجود تبعیض در محل های کار اعتراض می کنند، بهمین جهت حرکتی است ارزشمند و در خور توجه که می تواند سرآغاز حرکت های بیشتر و گسترده تر در این زمینه شود.

البته تبعیض تنها متوجه زنان متاهل و پیمان سازی بخشی از حقوق مسلم آنها نیست، این گونه تبعیض شامل همه ی زنان شاغل اعم از مجرد و متاهل می شود و نوع تبعیضات جنسیتی با تبعیضاتی که در کشورهای دیگر می شود تفاوت هایی دارد که برگرفته از ایدولوژی و نگاه واپس مانده رژیم نسبت به زنان بوده و به نوبه خود تلاشی است در کنار اقدامات دیگر برای محدود کردن حضور زنان در بازار کار، و به نوعی تبعیضات مضاعفی است نسبت به زنان در کشورهای دیگر.

زنان معترض در نامه خود خطاب به مسئولین حکومتی می نویسند:
از سال های دور قوانین تبعیض آمیزی در مورد حقوق و مزایای زنان متاهل کارمند دولت و هیئت علمی، تصویب و به اجرا گذاشته شده است. از جمله

۱. عدم پرداخت حق عائله مندی و اولاد به زنان متاهل کارمند دولت
 ۲. تبعیض در پرداخت های رفاهی بین زنان و مردان متاهل و دارای فرزند
 ۳. عدم برخورداری فرزندان زنان متاهل کارمند از حقوق وظیفه و مستمری بازنشستگی در صورت فوت آنها، با وجود پرداخت حق بازنشستگی در طی سالیان طولانی خدمت، مثل مردان
 ۴. تبعیض در ارائه تسهیلات از سوی سازمان ها بین زنان و مردان متاهل
 ۵. تبعیض در لایحه بودجه ۱۴۰۴ در مورد افزایش حقوق پرسنل طبق عائله مندی و تعداد اولاد هم که فقط مردان کارمند و هیئت علمی را شامل می شود
- بدین ترتیب، با وجود اینکه کارکنان زن متاهل خدمات مساوی با همردیفان مرد خود در سازمان ها ارائه



می‌دهند، در همه موارد حقوق و مزایای کمتری دریافت می‌کنند و عملاً نیروی کار ارزان به شمار می‌آیند. تبعیض علیه زنان در کشورهای مختلف و پیشرفته نیز حتی در پیشرفته‌ترین جوامع سرمایه‌داری هنوز کم و بیش وجود دارد. اما نه از نوع پنج موردی که نویسندگان نامه‌ی سرگشاده در نامه خود بعنوان مصادیق تبعیض علیه زنان برشمرده‌اند.

این موارد در واقع تبعیضاتی مضاعف بر آنهایی است که در سایر کشورها علیه زنان اعمال می‌شود. تبعیضات علیه زنان البته در چند دهه پیش در کشورهای مختلف بیشتر از امروز بوده است، اما زنان بامتشکل شدن و فعالیت در اتحادیه‌های کارگری و احزاب توانسته‌اند بتدریج تبعیضات جنسی در بازار کار و جامعه را کاهش دهند.

مبارزه برای رفع تبعیض و برابری تاریخی طولانی و پرفراز و نشیبی را طی کرده تا به وضعیت کنونی رسیده. تجربیات جهانی نشان می‌دهند که همین حد از پیشرفت در این زمینه بیشتر از هر چیز مدیون مبارزات سازمانیافته زنان و مردان در احزاب و اتحادیه‌های کارگری است که از پیشگامان مبارزه برای برابری بوده‌اند.

زنان تهیه‌کننده نامه در واقع اگر آزادی فعالیت اتحادیه در ایران وجود داشت و تلاشها برای تشکیل اتحادیه چنین وحشیانه سرکوب نمی‌شد در قالب اتحادیه‌ای ریشه‌ای تبعیضات غیر انسانی را از بیخ و بن می‌کنند. اگر امروز آنها با نوشتن نامه اعتراض خود را بیان می‌کنند بواسطه این است که مردمان کارگر و مزد و حقوق بگیر در این کشور از کلیه حقوق اساسی خود محروم شده‌اند.

وقتی که تبعیضات جنسی علیه زنان در حکومت دینی نسبت به جوامع دیگر مضاعف است، مبارزه برای از میان برداشتن تبعیضات نیز به همان نسبت دشوارتر است و نیازمند تشکیلات و سازماندهی قوی‌تری است. نوشتن نامه به تنهایی متأسفانه کارساز نیست، ولی می‌تواند سرآغاز تلاشی باشد برای تشکیل یک اتحادیه یا تشکل نیرومند برای مبارزه علیه تبعیض و نابرابری در بازار کار و در جامعه. اتحادیه‌ای که بدون آن متأسفانه هیچ کدام از این تبعیضات رفع نخواهد شد. بخصوص اینکه خواسته‌های مطالبه شده در این نامه بدون اغراق باید گفت مطالبه ده‌ها میلیون زن و مرد ایرانی است و از حمایت آنها برخوردار است.

**علیه تغییرات ارتجاعی در قانون کار و تامین اجتماعی، برای برخورداری از قانون کار
جامع متحدانه مبارزه کنیم!**

ایجاد کار برای بیکاران وظیفه دولت است!

**به بیکاران باید حقوق پرداخت شود و تحت پوشش تامین اجتماعی قرار داشته
باشند!**



نکاتی پیرامون تصمیم دولت برای ادغام صندوق های بازنشستگی

امید



تصمیم دولت برای ادغام صندوق های بازنشستگی در صندوق تامین اجتماعی به رغم مخالفت اعضای صندوق های مختلف و عدم تصویب آن در مجلس قطعی به نظر می رسد. مخالفت مجلس با ادغام هم چندان جدی نیست زیرا مجلس از دولت خواسته است برای ادغام صندوق ها لایحه دوفوریتی جداگانه به مجلس بدهد.

دلایل مختلفی برای مخالفت اعضای صندوق های مختلف با ادغام وجود دارد. مقررات و شرایط و همچنین امتیازاتی که در هنگام بازنشستگی به اعضای هر صندوق تعلق می گیرد یکسان نیست، به همین جهت اولین دلیل مخالفت اعضای تعدادی از صندوق ها از دست دادن امتیازات ویژه ای است که در اثر ادغام و یکدست سازی حقوق ها و مزایای بازنشستگی از دست می دهند.

سرمایه و وضعیت پس انداز و دارایی های صندوق ها هم یکسان نیست. تعداد کمی از صندوق ها وضعیت بهتری دارند و تعداد بیشتری گفته می شود ورشکسته یا در شرف ورشکستگی قرار دارند. اعضای صندوق هایی که وضعیت مالی بهتری دارند نگران هستند در اثر ادغام وضعیت و شرایط بازنشستگی شان به مخاطره بیفتد، به همین دلیل صندوق هایی مانند، کارکنان هما، نفت، فولاد که وضعیتی مالی بهتری دارند شدیداً مخالف ادغام هستند و از زمان طرح ادغام صندوق ها توسط دولت بارها با انجام تظاهرات با آن مخالفت کرده اند.

دولت قصد دارد اکثر این صندوق ها را که گفته می شود بیشترشان در شرف ورشکستگی هستند در صندوق تامین اجتماعی که هنوز کاملاً از نفس نیفتاده است ادغام کند. به همین دلیل عده ای از مسئولین تشکلهای حکومتی کارگری نیز از جمله (اکبر شوکت، عضو سابق هیئت امنای صندوق تامین اجتماعی) با ادغام صندوقهایی که به زعم وی ورشکسته هستند در صندوق تامین اجتماعی مخالفت کرده است. البته قبل از وی چند تن دیگر با ادغام موافقت و عده دیگری مانند وی مخالفت کرده بودند.

طرح دولت همه ی صندوق ها را صرف نظر از وضعیت مالی شان به استثنای، صندوق های ارتش، سازمان اطلاعات و پلیس و سپاه شامل خواهد شد.

در صورت عملی شدن طرح ادغام برنده آن دولت و بازنده آن کارگران و کارکنان عضو این صندوق ها هستند که بخشی از مزایا و حقوق بازنشستگی خود را عملاً از دست خواهند داد. همچنین با این ادغام بخشی از بدهی های نجومی دولت به صندوق تامین اجتماعی در ساختار پیچیده بوروکراسی دولتی حیف و میل خواهد شد.

بحران مالی صندوق ها علل مختلفی دارد. ولی مهمترین دلیل آن گماردن مدیران دولتی فاسد و غیر



پاسخگو در راس صندوقها و دست اندازی آشکار و پنهان دولت بر دارایی های آنهاست. بدهی های نجومی دولت تنها به صندوق تامین اجتماعی که بزرگترین و ثروتمندترین صندوق بازنشستگی است و دولت از باز پرداخت آن طفره می رود سر به فلک می کشد.

یکی دیگر از علل بحران تا جایی که به صندوق تامین اجتماعی بر می گردد، معاف کردن عملی بیشتر کارگران کارگاه های زیر ده نفر از شمول قانون کار و بیمه است که میلیونها کارگر را شامل می شود. برای درک بهتر تاثیر این قانون کافی است تعداد حداقل ۲ میلیون کارگر شاغل در این کارگاه ها را ضرب در ۲۷ درصد حق بیمه ماهانه حداقل حقوق آنها نمایم تا به یکی دیگر از علل ضعف مالی صندوق اجتماعی پی ببریم.

برای نمونه بر اساس داده های آماری انجمن های کارگران ساختمانی تعداد کارگرانی که در بخش ساختمان فاقد بیمه اند بیش از نیم میلیون نفر است. صدها هزار کارگر قالبیاف، صدها هزار کارگر شاغل در صنوف مختلف، بسیاری از کارگران شرکتهای پیمانکاری، کارگران مناطق آزاد تجاری و کارگران قرارداد موقتی و اکثر کارگران مهاجر بر خلاف تمایل شان برای بیمه شدن از بیمه محروم اند. حدود ۵ میلیون بیکار را نیز که حق بیمه نمی دهند و کارفرمایانی را که حق بیمه خود را نمی دهند بر اینها اگر بیفزایم بیشتر به ریشه بحران در صندوق تامین اجتماعی واقف می شویم.

نا گفته پیداست مادامی که این وضعیت حاکم است با ادغام نمی شود صندوق ها را از ورشکستگی رها کنید و آینده میلیونها بازنشسته را برای گرفتن حقوق بازنشستگی تضمین کرد. برای یافتن راه نجات صندوق ها از ورشکستگی ابتدا باید علل را پیدا کرد. وقتی که علل روشن شد در یک سیستم نرمال راه کار را هم می شود پیدا کرد. راه کار نجات صندوقها از ورشکستگی عبارتند از: رفع موانع فعالیت اتحادیه های کارگری و سپردن مدیریت صندوقها، دارایی ها و سرمایه گذاری صندوق ها به نمایندگان منتخب کارگران و کارکنان موسسات بازپرداخت کلیه دیون دولت و کارفرمایان به صندوق تامین اجتماعی و پرداخت منظم حق بیمه ها توسط کارفرمایان

بر قراری بیمه اجباری برای کلیه کارگران و کارکنان موسسات دولتی و خصوصی ایجاد اشتغال

اگر در بسیاری از کشورها صندوق ها وضعیت نرمالی دارند مقدم بر همه بواسطه وجود اتحادیه ها و احزاب کارگری و مدیریت اتحادیه ها بر کلیه امورات صندوقهاست. از همین رو با تشکلهای کارگری حکومتی همانطور که در تجربه ۶۵ ساله به روشنی آفتاب دیده ایم وجود این گونه تشکلهای نه تنها نتوانسته و نمی تواند، مانع از نابودی حقوق کارگر و تاراج و افلاس صندوق های بازنشستگی شود بلکه با مانعی که بر سر راه تشکیل اتحادیه های کارگری مستقل بوجود آورده به دولت و کارفرمایان امکان داده با تغییر قوانین و تسلط بر صندوق های بازنشستگی اموال و درآمدهای صندوق ها را حیف و میل و بیشتر این صندوق ها را در معرض ورشکستگی قرار دهند.

بهمین جهت نه آقای اکبر شوکت و نه هیچ کس دیگر تا کنون قادر نشده مانعی بر سر راه تصمیمات دولت بوجود بیاورد و نه از این به بعد قادر است مانع از ادغام آن شود. مهمترین ضامن بقا و مصون ماندن صندوقهای بازنشستگی از تعرض دیگران قرار گرفتن نمایندگان اتحادیه های کارگری مستقل در راس صندوق های بازنشستگی است



اعتراض کارگران کارخانه کرپ ناز کرمانشاه به معوقات مزدی

کارگران کارخانه کرپ ناز کرمانشاه به مشخص نبودن وضعیت کارخانه و مطالبات معوقه خود اعتراض کردند

به گزارش خبرنگار ایلنا، برخی منابع کارگری گفتند: روز (۲۴ آذرماه) تعدادی از کارگران کارخانه کرپ ناز کرمانشاه واقع در جاده هرسین، برای وصول مطالبات معوقه خود مقابل ساختمان کارخانه دست به اعتراض صنفی زدند

یکی از این کارگران به خبرنگار ما گفت: اعتراض آن روز مربوط به حداقل دو معوقات مزدی و بیمه‌ای در نتیجه بی‌توجهی کارفرما به پرداخت مطالباتمان است



دیدار جمعی از فعالین کارگری و بازنشستگان تامین اجتماعی و کشوری با خانواده اسماعیل گرامی

سه‌شنبه ۲۰ آذر ۱۴۰۳ جمعی از فعالین کارگری و بازنشستگان تامین اجتماعی و کشوری با خانواده‌ی اسماعیل گرامی کارگر بازنشسته دیدار کردند اسماعیل گرامی از ۲۱ مرداد تا کنون در زندان اوین دوره‌ی محکومیت حبس یک ساله را می‌گذراند. وی در پرونده‌ی قبلی هم که در ارتباط با دفاع از حقوق بازنشستگان بود به پرداخت ۲۰ میلیون تومان جریمه‌ی نقدی محکوم شدند

فعالین کارگری و معلمان آزاد باید گردند

اسماعیل گرامی آزاد باید گردد

چاره کارگران و زحمتکشان وحدت و تشکیلات است

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه

آذر ۱۴۰۳ ۲۲



فرهنگیان بازنشسته به پاستور رفتند/ ۱۵ ماه انتظار کافیت
جمعی از فرهنگیان بازنشسته ۱۴۰۲ پس از تجمع مقابل برنامه و بودجه، مقابل نهاد ریاست جمهوری جمع شدند.
جمعی از فرهنگیان بازنشسته ۱۴۰۲ در تماس با خبرنگار ایلنا، از ادامه تجمع صنفی خود در تهران خبر دادند.
آن‌ها گفتند: بعد از اتمام اعتراض مقابل سازمان برنامه و بودجه به پاستور رفتیم تا صدای دادخواهی خود را به گوش رئیس‌جمهور برسانیم.
این بازنشستگان که هنوز ۶۰ درصد پاداش پایان خدمت خود را دریافت نکرده‌اند می‌گویند ۱۵ ماه انتظار کافی است. بعد از گذشته این زمان طولانی، معوقات ما بی‌ارزش شده است



بیانیه_مشترک_تشکلهای_مستقل #

«قانون» حجاب و عفاف، تجاوز آشکار به حقوق زنان و سلاحی دیگر برای سرکوب جنبش مترقی آنان است!



لایحه ارتجاعی و سرکوبگرانه «عفاف و حجاب» با پشتیبانی مقامات عالی رتبه نظام و تأیید نهایی مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان به قانون تبدیل شد.

این قانون که در ۷۴ ماده و پنج فصل تدوین شده است، عریان ترین حمله و سرکوب به حق انتخاب پوشش زنان و نمونه آشکار آپارتاید جنسی است، بر مبنای تحجر، انجماد فکری و ذهنی و انحطاط و تباهی اخلاقی نظام مرد سالار تدوین شده است. این قانون سلاحی دیگر برای تجاوز به حقوق زنان است که نیمی از جمعیت جامعه را تشکیل می دهند و در همان حال تعرضی بی شرمانه به آزادی و حقوق دموکراتیک همه مردم است که در دستور حاکمیت، مجلس و نهاد های سرکوب قرار گرفته است.

هدف تدوین کنندگان این قانون ارتجاعی و ضد زن، نظارت و کنترل بیشتر بر پوشش و سبک زندگی شهروندان، تعیین تکلیف گسترده برای دستگاه های اجرایی، فرهنگی، اجتماعی و صدور مجوز به همه نهادها و عناصر آتش به اختیار جیره خوار و دستور بگیر حکومت برای افزایش خفقان و بسته نگه داشتن جامعه به منظور سرکوب هر صدای آزادیخواهانه است.

چیزی که این قانون را از دیگر قوانین مشابه متمایز می کند، قانونی کردن سرکوب زنان و خشونت دولتی علیه آنان است که با مجازات های سنگینی برای رفتارهایی به زعم حاکمان، «کشف حجاب»، «بد پوششی و ترویج آن در جامعه» است، پیش بینی می کند. این مجازات ها شامل جریمه های نقدی سنگین، حبس، محدودیت های شغلی، محرومیت از فعالیت های اجتماعی و حتی ممنوعیت خروج از کشور است. این قانون همچنین نه تنها فضاهای عمومی، بلکه فضای مجازی و محیط های خصوصی را نیز تحت نظارت قرار می دهد که بیان کننده نقض آشکار حقوق و آزادی های فردی است.

اما روی دیگر این قانون متحجر و آزادی گش، هشدار دور اندیشان خودی به حاکمیت و مسئولان آن است که ۴۵ سال تهاجم به حقوق زنان و تازیانه و سرکوبشان نتوانسته زنان و دختران را از مبارزات بحقشان منصرف کند و زنان مبارز ایران با جسارت و پیشتازی، به رغم همه اُفت و خیزها، پرچم جنبش برابری خواهانه و مترقی زن، زندگی، آزادی را بر افراشته نگه داشته اند.

ذهنیت بشدت بیمار گونه طراحان این قانون ننگین و اسارت بار، در بند بند آن خود را نشان می دهد. آزادی پوشش زنان را که حق مسلم آنان است، توطئه سفارش شده از سوی مخالفان نظام در خارج از کشور و یا قدرت های خارجی قلمداد می کند. تصویب لایحه عفاف و حجاب با هدف «قانونی» کردن وحشیانه ترین جنگ سراسری سازمان یافته حاکمیت و ارگان های سرکوب آن علیه زنان برای تحمیل حجاب به قیمت اعدام، زندان و جرایم سنگین نقدی و بستن راه هرگونه حمایت اجتماعی مردان و آحاد مردم از آزادی پوشش زنان با سیستم چند لایه مجازات ها تنظیم شده است. هدف دیگر تصویب و ابلاغ این قانون، تأکید و اصرار بر تغییر ناپذیر بودن رویکرد خشن و زن ستیز مرد سالارانه حاکمیت سرمایه داری - اسلامی نسبت به آزادی پوشش زنان به رغم هر حرکت اعتراضی و جنبش عمومی زنان برای حق آزادی و برابری است.

جمهوری اسلامی با سرکوب خشن و یا قانونی کردن تعرض به زنان تلاش می کند مردم زحمتکش و به ویژه زنان آگاه و جسور و حق طلب را برای اطاعت از بردگی وادار کند. اما تاریخ سرتاسر افتخار آمیز و خستگی ناپذیر جنبش زنان به رغم روش های متفاوت سرکوب علیه آزادی و برابری، عرصه های مختلفی برای کسب آزادی و حق حیات خود را برگزیده است، هرگز تسلیم قانونی که ابتدائی ترین حقوق زنان را به چالش گرفته، نخواهد شد. زنان آزادیخواه در این مبارزه از حمایت همه طبقات و اقشار زحمتکش جامعه



برخوردار هستند. همبستگی طبقاتی و انسانی اقتضا می کند که همه جنبش های اجتماعی، بویژه جنبش های کارگران، معلمان، روشنفکران، دانشجویان، بازنشستگان و پرستاران در حمایت پیگیرانه از حقوق زنان با صف متحد در کنار همدیگر قرار گیرند

تشکل های مستقل، امضا کننده این بیانیه در راستای این هدف مشترک، مخالفت خود را با قانون زن ستیز «عفاف و حجاب» اعلام می کنند و از مبارزات زنان برای دستیابی به حقوق خود که بخش بسیار مهم و تعیین کننده ای از حقوق اساسی توده های مردم است، حمایت می کنند

آذر ۱۴۰۳ ۲۵

سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه

گروه اتحاد بازنشستگان

کارگران بازنشسته خوزستان

کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری

چاره کارگران وحدت و تشکیلات است

همه با هم برای آزادی زندانیان سیاسی و کارگری متحدانه مبارزه کنیم!

از مبارزه کارگران و مزد و حقوق بگیران شاغل و بازنشسته برای افزایش دستمزد حمایت کنیم!

***برای تماس با نشریه "جنگ کارگری" می توانید با آدرس زیر تماس بگیرید:**

***"جنگ کارگری" نشریه گروه کارگری حزب چپ ایران را می توانید در آدرس زیر ببینید:**

<https://bepish.org/taxonomy/term/457>